



سرتنكر شهيد عباس باباي
فرمانده نيروي هوايي ارتش جمهوري اسلامي ايران
نام پدر: اسماعيل
تولد: ۱۳۳۹/۹/۱۴ - قزوین
شهادت: ۱۳۶۵/۵/۱۵
عمليات برون مرزي در منطقه سردشت
محل دفن: گلزار شهداي قزوین

خط عاشقی

خاطرات عشق شهداء به امام حسین (علیه السلام)

و روضه های کربلا

گردآوری و تدوین: حسین کاجی

ناشر: عماد فردا

نوبت چاپ: اول ناشر

چاپ: هفدهم / زمستان ۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰ تومان



موسسه

۰۲۱-۸۵۵۷۰

www.emad.ir

کلیه حقوق برای انتشارات عماد فردا محفوظ است.

سرشناسه: کاجی، حسین، - ۱۳۵۰

عنوان و نام پدیدآور: خط عاشقی: خاطرات عشق شهدا به امام حسین (ع)/

گردآوری و تدوین حسین کاجی

مشخصات نشر: تهران: عماد فردا، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.

شابک: ۲۲۰۰۰ ریال: ۳-۳-۹۲۴۳۴-۹۷۸-۶۰۰

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان

موضوع: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

رده بندی کنگره: DSF ۱۶۲۵ / ک ۱۴ خ ۶ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۶۶۵۸۴

کربلای جبهه ها یادش بخیر

مقدمه کتاب را بدون مقدمه در محضر اربابم حسین (ع) پای ضریح شش گوشه جایی که قشنگ ترین نقطه عالم است، آغاز می کنم؛

آقاجان من جا مانده از قافله شهدای کربلای ایرانم. در دوران جنگ رزمنده شجاع و دلیری نبودم ولی شاید بتوان گفت تماشای خوبی از لحظه های ایثار و شهادت عاشقانتان بودم. چه روزها و شبها که لحظات تنهایی ام با شهیدان سپری شد و اینک وجودم لبریز از خاطرات عشق، اشک، سوز و نوحه هایشان برای شماست. این دستی که امروز قلم در آن جای گرفته، روزگاری به خون پاکترین عاشقانتان متبرک شد. در لحظات وداع، بیش از صدها شهید را در آغوش گرفت و بارها و بارها عضوهای قطعه قطعه شده همسنگران شهیدم را از روی خاکریزها و سنگرها و در میادین مین جمع کرد. این چشمی که با دانه های زلال اشک التماس نگاهش را به شبکه های ضریحان دخیل بسته، روزی شاهد صحنه های عاشورایی کربلای ایران بود؛ لحظه های جان دادن، سر جدا شدن، لبهای تشنه، بدنهای له شده و اربا اربا و جسدهای در بیابان مانده... آقاجان روزی نیست که اسمی برده شود و من به یاد یکی از دوستان شهیدم نیفتم و مجلس روضه ای نیست که در آن بنشینم و پلی از خاطرات خود از کربلای ایران تا کربلای معلی نزنم.

اکنون در محضر شما اشک شوق می ریزم؛ زیرا که با شهیدانت عهد کرده بودم اگر کربلا آزاد شد عکس آنها را به در و دیوار حرم بزنم و روایتگر عشق خالصانه شان به شما باشم. حال خدا را سپاسگزارم که توفیق شد تا در این شب آسمانی و در هیاهوی رفت و آمد ملائکه حائر حسینی، قطره ای ناچیز از دریای بی کران خاطرات شهیدان را محضر شما عرضه نمایم. باشد که به عهد خود وفا کرده باشم.

کربلا محله تسبیح محمد باقر
حرم میرزا محمد آقا رضا و سید محمد
مهر